

صبح امروز

۹
۱۲
۱۴۰۳ایران در سند امنیت ملی آمریکا
با محوریت رقابت با چین

۳

مسئله فقط فیلترینگ نیست، با انواع
اختلالات در سرعت و دسترسی مواجهیم

۲

گزارش

تجارت فرش از رونق افتاد:

سقوط برند ایرانی نتیجه
محدودیت‌های مقرراتی

یک فعال صنعت فرش می‌گوید: در طول قرن‌ها، فرش ایرانی کاملاً بی‌رقیب بود، اما کم‌کاری ما در حفظ مقاصد، باعث شده تا از همه کشورها عقب بمانیم. در واقع، آنچه ایران از دست داده، نه فقط بازار، بلکه اعتماد خریدار خارجی است؛ اعتمادی که با نوسان مقررات، مشکلات نقل و انتقال پول و نبود برند ملی منسجم، تضعیف شده است.

۴

گزارش

تبعات تصویب طرح موسوم به «حمایت و رسیدگی به

تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»:

طرح کمیسیون فرهنگی، تنش‌ها را
بیشتر و کشور را بحران زده‌تر می‌کند

قادر باستانی تبریزی، مدرس علوم ارتباطات معتقد است با تصویب طرح موسوم به «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» و سپردن مسئولیت «تنظیم‌گری، صدور مجوز و نظارت بر رسانه‌های کاربر محور و ناشر محور و نیز شبکه نمایش خانگی» به صداوسیما، کشور

۵

گزارش

نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی:

بودجه باید به نفع سفره مردم باز آرایی
شود

خراسان رضوی نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، گفت: تلاش مجلس در فرآیند اصلاح بودجه تغییر وزن بودجه به سمت مردم بود چرا که مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم در سال جاری بسیار زیاد بوده و همین موضوع سبب شد که جهت‌گیری بودجه به شکل ملموس‌تری به سمت تقویت سفره مردم حرکت کند. حجت‌الاسلام حسینی اخلاقی امیری در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص تدوین بودجه با محوریت معیشت مردم، اظهار کرد: بودجه زمانی «مردمی» تلقی می‌شود،

۶



از ترس تاقاب آوری؛

نقش جامعه و رسانه در کاهش اضطراب

ده روز تا چه؟

تحلیل منطق ضرب‌الاجل‌های مبهم
در دیپلماسی آمریکا

این ترکیب «قطعیت عدد» و «ابهام نتیجه» همان چیزی است که فضای روانی را متلاطم می‌کند. طرف مقابل نمی‌داند دقیقاً با چه سناریویی روبه‌روست، بازارها نمی‌دانند باید بر کاهش تنش شرط ببندند یا بر تشدید آن، متحدان منطقه‌ای نمی‌دانند آماده عادی‌سازی باشند یا آماده بحران شوند.

ادامه در صفحه ۳

بیان مسبوق به سابقه است. او در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بارها از ضرب‌الاجل‌های کوتاه و تهدیدهای مشروط استفاده کرد. از خروج آمریکا از برجام گرفته تا مذاکرات تجاری با چین، که در همه این موارد یک الگوی مشترک دیده می‌شد: اعلام یک بازه زمانی مشخص، در کنار ابهام درباره پیامد نهایی!

قرار می‌دهد. در چنین لحظه‌ای خود زمان به ابزار قدرت تبدیل می‌شود. عدد «ده» اهمیت نمادین پیدا می‌کند، نه به این دلیل که الزاماً در پایان آن اتفاقی قطعی رخ خواهد داد، بلکه به این دلیل که تا رسیدن به آن موعد ذهن‌ها، سرمایه‌ها و محاسبات سیاسی در وضعیت نوسان باقی می‌مانند. در مورد دونالد ترامپ این شیوه

وقتی رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام می‌کند «تا ده روز دیگر مشخص می‌شود که آیا می‌توان با ایران به توافق رسید یا نه»، او صرفاً یک بازه زمانی اعلام نمی‌کند بلکه او یک وضعیت می‌سازد. وضعیتی از تعلیق، انتظار و فشرده‌گی زمانی که همزمان دستگاه‌های دیپلماتیک، بازیگران منطقه‌ای، رسانه‌ها و بازارهای مالی را در حالت آماده‌باش

تینا مزد کی

در حالی که رویکردهای جهانی تنظیم‌گری بر مفاهیم مدرنی چون هوش مصنوعی و حریم خصوصی متمرکز شده‌اند، سیاست‌گذاری فضای مجازی در کشور ما همچنان درگیر الگوهای سنتی فیلترینگ و طرح‌های غیرشفاف نظارتی است.

در سال‌های اخیر، اینترنت در ایران به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های چالش میان سیاست‌گذاری و مطالبات اجتماعی تبدیل شده است؛ جایی که تصمیم‌ها درباره فیلترینگ، اختلال و نوع دسترسی، مستقیماً بر زندگی روزمره و کسب‌وکارها اثر می‌گذارد و در عین حال تداوم آن در کنار گسترش اختلال‌ها و عواملی مانند اینترنت طبقه‌ای، بیش از پیش کاربران را از عرصه‌های جهانی دور کرده است. در همین راستا، در گفت‌وگو با مرضیه ادهم، پژوهشگر حوزه سیاست‌گذاری رسانه و فضای مجازی، به بررسی ابعاد متفاوتی از این محدودیت‌ها پرداخته‌ایم. ادهم معتقد است زمان طلایی برای اثرگذاری برخی تصمیمات گذشته است و اکنون با پدیداری مواجهیم که نه تنها سرمایه اجتماعی را ترمیم نمی‌کند، بلکه به شکاف‌های جامعه دامن می‌زند.

پایان دوره طلایی رفع محدودیت‌ها و

ریش سرمایه اجتماعی

این پژوهشگر در پاسخ به این پرسش که تدام فیلترینگ چه تاثیری بر جامعه دارد توضیح می‌دهد: «سرمایه اجتماعی در زمینه رفع فیلترینگ و قول و قرارهایی که درباره اینترنت داده می‌شود، اکنون به نزدیک صفر رسیده و در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد. نکته جالب و حائز اهمیت این است که برداشتن محدودیت‌ها یک «دوره طلایی» دارد. اگر محدودیت در زمان خودش برداشته نشود، اثرش بر عکس می‌شود و دیگر برای متقاضیان ارزشی ندارد. برای مثال، رفع فیلتر «واتساپ» آن چیزی نبود که مردم انتظار داشتند یا اگر راه‌های دور زدن فیلترینگ برای پلتفرم‌هایی مثل اینستاگرام و تلگرام تا این حد رایج شود، برداشتن فیلتر دیگر اثرگذاری سابق را نخواهد داشت. باید یادمان باشد که ما امروز علاوه بر فیلترینگ، با مشکل «اختلال» هم مواجهیم که هر دو به شدت مشکل‌ساز شده‌اند.»

شلیک به نماینده مجلس با گلوله ساچمه ای؛ عوامل تیراندازی دستگیر شدند/ ماجرا چه بود؟ او همچنین می گوید: «این وضعیت به شدت

به نارضایتی‌ها دامن می‌زند. همه انتظار داشتیم در دو مقطع گشایش‌هایی رخ دهد؛ یکی بعد از جنگ ۱۲ روزه بود که انتظار می‌رفت اینترنت گشوده‌هایی گشوده شود و رفتار بهتری با فضای اینترنت صورت بگیرد که نشد و حتی اختلالات بیشتر شد. بار دوم بعد از فروکش کردن شلوغی‌ها و دوران بحرانی بود که انتظار می‌رفت شرایط بهتر شود.»

مسئله فقط فیلترینگ نیست، با انواع اختلالات در سرعت و دسترسی مواجهیم/ اگر محدودیت در زمان خودش برداشته نشود، اثرش برعکس می‌شود

دارندگان اینترنت سفید، درکی از

مشکلات ندارند

این پژوهشگر در ادامه در پاسخ به این پرسش که پدیده اینترنت طبقاتی و استفاده مدافعان اینترنت از پلتفرم‌های مسدود شده چه پیامی برای کاربران مخابره می‌کند، توضیح می‌دهد: «ما از روز اولی که اختلافات و طرح صیانت مطرح شد، شاهد بودیم که مدافعان طرح صیانت و امضاکنندگان آن، خودشان در توییتر و اینستاگرام حضور دارند و حتی تیک آبی دارند. این «اینترنت سفید» یا دسترسی خاص، پیامی بسیار واضح و توهین‌آمیز مخابره می‌کند که من چون در طبقه خاصی هستم، ایالت، قهرم و شعور استفاده از اینترنت بین‌المللی را دارم و بقیه ندارند؛ من می‌توانم قیم بقیه باشم. من صلاح خود را می‌دانم و بقیه نمی‌دانند.»

او می‌گوید: «این رفتار یک پارادوکس بزرگ دارد. وقتی در پلتفرم فیلتر شده فعالیت می‌کنید، دو حالت دارد: یا می‌دانید کارتان غیرقانونی است و مخاطب داخلی را نمی‌بینید و فقط برای خارج نشینان حرف می‌زنید، یا می‌دانید که همه توانسته‌اند فیلترینگ را دور بزنند و برای آن‌ها پیام می‌فرستید. یعنی همزمان دارید قدرت آن شبکه اجتماعی و شکست طرح فیلترینگ خودتان را تایید می‌کنید. جدا از حس برتری جویی، مسئله اینجاست که این گروه دارای اینترنت سفید، اساساً درکی از مشکلات و محرومیت‌های افرادی که با سختی و وارد فضای مجازی می‌شوند ندارند. وقتی درکی از محرومیت نباشد، توضیح دادن فاصله طبقاتی و شکاف دیجیتالی برای آن‌ها بسیار پیچیده و دشوار می‌شود.»

ابهام؛ ابزاری برای کنترلگری سلیقه‌ای

به گفته این پژوهشگر، طرح‌هایی که اخیراً در مجلس مطرح می‌شود، چه در قالب سیاست‌گذاری برای ساترا و نظارت بر صوت و تصویر فراگیر و چه جرم‌انگاری‌ها در بحث حکمرانی، به طرز عجیبی تکرار همان نسخه‌های اولیه و قدیمی است. او در این باره می‌گوید: «حتی با وجود اینکه شرایط فنی تغییر کرده است، باز هم همان مطالب تکرار می‌شوند و انگار کسی زحمت یک بار خواندن یا روزرسانی آن‌ها را بر خود نمی‌دهد؛ ما نمی‌توانیم کنشگری فعالانه نخبگان، دانشجویان علوم

اجتماعی، سیاسی و متخصصان فنی را نادیده بگیریم. این طور نیست که دسترسی به مطالعات تطبیقی نباشد؛ حتی مرکز پژوهش‌های مجلس مطالعات بسیار خوبی منتشر کرده که مشخصاً می‌گوید برای محافظت از کودک یا مقابله با کلاهبرداری چه باید کرد. تمام قوانین اتحادیه اروپا و انواع مدل‌های حکمرانی در دسترس است و روی آن‌ها کار شده است، اما مسئله اینجاست که فقط دنبال «کنترل شدید» هستند.»

مرضیه ادهم در ادامه این گفت‌وگو با اشاره ابهام در خصوص سیاست‌گذاری‌ها توضیح می‌دهد: «اینترنت را به عنوان ابزاری برای سفافیت و ارتباط نمی‌بیند، بلکه نگاه این است که خود اینترنت را عاملی مشکل‌ساز و ایجادکننده اعتراضات می‌داند. به همین دلیل به دنبال قانونی شفاف نیستند که شهروند بتواند ذیل آن از حق خود دفاع کند. قوانین را «تفسیرپذیر» می‌نویسند؛ مثلاً عباراتی مثل «صوت و تصویر فراگیر» را به کار می‌برند بدون اینکه مشخص کنند صوت چیست شاخص فراگیر بودن چیست یا چه میزان فعالیت، فرد را به تولیدکننده محتوای پرجمعیت تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، با تعدد نهادهای مواجهیم؛ شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارتباطات، وزارت ارشاد، مرکز ملی فضای مجازی و کمیسیون مصادیق مجرمانه. این میزان ابهام، دست نهادهای را برای کنترلگری باز می‌گذارد، اما شهروند هرگز مطمئن نیست که با طی کردن

چه فرایند قانونی می‌تواند رفع فیلتر شود یا به دسترسی آزاد برسد.»

عقب‌ماندگی از ادبیات جهانی تنظیم‌گری

او در پاسخ به این پرسش که تفاوت رویکرد ایران با رویکردهای جهانی در حوزه نظارت بر اینترنت چیست، می گوید: «فیلترینگ به صورت محدود و برای مسائلی مثل حقوق کودکان در همه جای دنیا وجود دارد. در سطح جهان بحث‌های عمیقی درباره حریم خصوصی، هوش مصنوعی و نظارت در جریان است، اساسا در اینجا تنها مسئله فیلترینگ نیست؛ ما با انوع اختلالات در سرعت و دسترسی مواجه هستیم، از سویی دیگر، با چالش ایران اکسس از طرف سایت‌های خارجی نیز روبرو هستیم که محدودیت‌ها را دوجندان می‌کند.»

او با بیان این موضوع که در جهانی که تمام ارکان آن با اینترنت گره خورده است، مباحث مربوط به نظارت، دخالت، حریم خصوصی و هوش مصنوعی صرفاً مختص به کشور ما نیست می‌گوید: «در تمام دنیا گفتگوهای عمیقی پیرامون این موارد در جریان است. با این حال، ما در مرحله‌ای پیش از این مباحث متوقف شده‌ایم؛ به این معنا که هنوز سطحی از حقوق اولیه را نپذیرفته‌ایم تا بتوانیم درباره جزئیات آن به بحث بپردازیم. به همین دلیل، رویکرد «تنظیم‌گری» در کشور ما در سطح متفاوتی تعریف شده است؛ سطحی که دسترسی به اینترنت بین‌الملل را تنها یک «انتخاب» تعریف می‌کند که می‌تواند باشد یا می‌تواند نباشد. در چنین بستری که طرح‌ها و پی‌پام‌های مخابره شده بر این اساس استوارند، نمی‌توان به‌صورت تخصصی درباره انواع مدل‌های تنظیم‌گری سخن گفت.»

به گفته ادهم حتی مفهوم «سود رسانه‌ای» که قصد انتقال آن را داریم، محل پرسش است که آیا این سود بر پایه تفکر انتقادی بنا شده یا مبتنی بر این رویکرد است که «هر آنچه ما می‌گوییم درست است و هر آنچه مابقی می‌گویند اشتباه است؟» و در پایان می‌گوید: «در چنین شرایطی، واژه «سود رسانه» دچار استحاله شده است. اگرچه این مسائل سال‌هاست در نهادهای بین‌المللی مورد بحث قرار می‌گیرند، اما به نظر می‌رسد ما از این گفتگوها غیب مانده‌ایم. چراکه موجودیت پلتفرم‌ها یا نوع خاصی از جامعه شبکه‌ای و اینترنت را به رسمیت نشناخته‌ایم که حال بخواهیم درباره دخالت یا شفافیت آن‌ها صحبتی داشته باشیم.»

۵۱۱/۱۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی شماره ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۸۰۶۶/۱۲۰۳۰۶/۱۴۰۴۰۴۰۴
هیات اول کلاس ۱۴۰۴-۲۰۵۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات
مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد مبارکی به شناسنامه شماره ۵۷۲۰۰۴۴۱۲۴
ملی ۵۷۲۰۰۴۴۱۲۴ صادره بردسکن فرزند علی اکبردر ششادنگ یقطنعه باغ محصور
به مساحت ۳۱۵۷/۴۲ متر مربع ، پلاک ثبتی ۳۰۲۷ واقع در خراسان رضوی بخش یک
حومه حوزه ثبت ملک کاشمر مالک رسمی آقای محمد مبارکی محرز گردیده است .لذا
به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که
اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ
انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید
طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم
نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات
سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ . تاریخ انتشار نوبت
دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ ص ۵۱

احمد جہانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۱۳/۵۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۷/۱۸۰۱۲۰۳۰۶/۴۰۴۶۰۱۴۰
هیات اول کلاس ۱۴۰۴-۲۵۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات
مالکانه بلاعارض متقاضی آقای محمد مبارکی به شناسنامه شماره ۵۷۲۰۰۴۴۱۲۴/۵۷۲۰
ملی ۱۴۱۲۴/۵۷۲۰ صادره بردسکن فرزند علی اکبردر ششدانگ یکقطعه باغ محصور
به مساحت ۵۸۸/۵۰ متر مربع ، پلاک ثبتی ۳۰۲۷ واقع در خراسان رضوی بخش یک
حومه حوزه ثبت ملک کاشمر مالک رسمی آقای محمد مبارکی محرز گردیده است. لذا
به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که
اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ
انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید
تصرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم
نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات
سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹. تاریخ انتشار نوبت
دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ الف/۵۱۱

احمد جہانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

۱۳/۵۱۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

گهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۶۰۳۰۶۰۱۰۰۱۶۳۲

۱۴۰۳/۱۱/۲۰-۱۶۳۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ۱- خانم زینب شکوری چوکانلو فرزند صفرعلی بشماره ملی ۶۳۵۹۹۳۸۳۴۴ صادر از فاروج و ۲- زهرا شکوری چوکانلو فرزند صفرعلی بشماره ملی ۱۵۳۶۵۷۰۸۰۶ صادر قوچان در یک باب خانه به مساحت ۱۰۲/۲۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۶ فرعی از ۴۵۴۷- اصلی واقع در بخش یک قوچان خریداری از مالک رسمی آقای غلامحسین فلاح مطلق محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز گهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، ادخواس خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت افضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ضمناً صدور سند مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ الف/۱۱۳۸

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

روزنامه

صبح امروز

با ما تماس بگیرید:

• ۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱ - ۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶

شرایط ویژه اشتراک انبوه

برای پیک موتوری ها، باربری ها و شرکت های خدماتی

تحلیل منطق ضرب الاجل های مبهم در دیپلماسی آمریکا



سید محمد شفیعی

وقتی رئیس جمهور ایالات متحده اعلام می کند «تا ده روز دیگر مشخص می شود که آیا می توان با ایران به توافق رسید یا نه»، او صرفاً یک بازه زمانی اعلام نمی کند بلکه او یک وضعیت می سازد. وضعیتی از تعلیق، انتظار و فردگی زمانی که همزمان دستگاه های دیپلماتیک، بازیگران منطقه ای، رسانه ها و بازارهای مالی را در حالت آماده باش قرار می دهد. در چنین لحظه ای خود زمان به ابزار قدرت تبدیل می شود. عدد «ده» اهمیت نمادین پیدا می کند، نه به این دلیل که الزاماً در پایان آن اتفاقی قطعی رخ خواهد داد، بلکه به این دلیل که تا رسیدن به آن موعد ذهن ها، سرمایه ها و محاسبات سیاسی در وضعیت نوسان باقی می ماند.

در مورد دونالد ترامپ این شیوه بیان مسبوق به سابقه است. او در دوران ریاست جمهوری اش بارها از ضرب الاجل های کوتاه و تهدیدهای مشروط استفاده کرد. از خروج آمریکا از برجام گرفته تا مذاکرات تجاری با چین، که در همه این موارد یک الگوی مشترک دیده می شد: اعلام یک بازه زمانی مشخص، در کنار ابهام درباره پیامد نهایی! این ترکیب «قطعیت عدد» و «ابهام نتیجه» همان چیزی است که فضای روانی را متلاطم می کند. طرف مقابل نمی داند دقیقاً با چه سناریویی روبه روست، بازارها نمی دانند باید

بر کاهش تنش شرط ببندند یا بر تشدید آن، متحدان منطقه ای نمی دانند آماده عادی سازی باشند یا آماده بحران شوند.

در سیاست خارجی آمریکا تصمیم های بزرگ معمولاً محصول یک روند نهادی پیچیده اند. کاخ سفید، وزارت امور خارجه، پنتاگون، جامعه اطلاعاتی و گاه کنگره در آن نقش دارند. چنین ساختاری به ندرت در بازه ای دروزه به نتیجه قطعی می رسد مگر آنکه پیش تر مذاکرات و تفاهم های غیرعلنی شکل گرفته باشد. بنابراین احتمال اینکه دقیقاً در پایان این ده روز یک توافق جامع یا یک اقدام قاطع رخ دهد پایین است. اما اهمیت جمله در جای دیگری نهفته است و آن در مهندسی ادراک است.

اعلام ضرب الاجل کوتاه، فضا را فشرده می کند، رسانه ها را به شمارش معکوس وادار می کند و طرف مقابل را در برابر این پرسش قرار می دهد که «اگر اقدامی نکنیم چه خواهد شد؟». در ادبیات مذاکره ضرب الاجل ابزار افزایش فشار است. وقتی زمان محدود اعلام می شود هزینه تعلل بالا می رود. اما اگر پیامد پایان ضرب الاجل مشخص نباشد، این فشار مضاعف می شود، زیرا همه سناریوها به طور همزمان محتمل به نظر می رسند، سناریوهایی مانند: تشدید تحریم ها، اقدام نظامی محدود، توافق موقت، یا حتی تمدید دوباره همین وضعیت. ابهام عمداً حفظ می شود تا دامنه واکنش ها گسترده تر باشد. این همان سیاستی است که می توان آن را «مدیریت تنش» نامید و این به معنی نه حل قطعی بحران و نه حرکت به سمت جنگ، بلکه نگه داشتن سطحی از بی ثباتی کنترل شده که به بازیگر قدرتمند اجازه مانور بدهد.

در پرونده ایران این وضعیت تعلیق سال هاست تکرار می شود. پس از خروج آمریکا از برجام، چرخه ای از افزایش فشار، واکنش ایران، سیگنال های نرم تر و سپس بازگشت به تنش شکل گرفت. ضرب الاجل های کوتاه در چنین

چرخه های نقش تنظیم کننده دارند، گاهی برای تسریع مذاکرات پشت پرده و گاهی برای آماده سازی افکار عمومی برای تشدید فشار و در هر دو حالت جمله ای کوتاه می تواند آغازگر موجی از تحلیل ها و واکنش ها شود. اما شاید مهم ترین بُعد این ماجرا اثر آن بر بازارهای جهانی باشد. بازارهای مالی به عدم قطعیت حساس اند و هرچه ابهام بیشتر باشد نوسان بیشتر می شود. وقتی احتمال توافق با ایران مطرح می شود معامله گران نفت این پرسش را مطرح می کنند که آیا عرضه جهانی افزایش خواهد یافت؟ اگر پاسخ مثبت باشد، قیمت ها تمایل به کاهش پیدا می کند، اگر احتمال شکست مذاکرات بالا برود، ریسک ژئوپلیتیکی افزایش می یابد و قیمت نفت می تواند صعودی شود. همین نوسان در بازار انرژی به سایر بازارها سرایت می کند.

در بازار ارز به ویژه دلار آمریکا چنین ضرب الاجل هایی می تواند دو اثر متضاد ایجاد کند. از یک سو تشدید تنش ممکن است سرمایه ها را به سمت دارایی های امن سوق دهد و تقاضا برای دلار را بالا ببرد. از سوی دیگر اگر بازار احتمال توافق و کاهش ریسک را بالا بدارد، جریان سرمایه می تواند به سمت بازارهای نوظهور حرکت کند و فشار بر دلار کاهش یابد. بنابراین یک جمله درباره «ده روز آینده» می تواند به تغییرات قابل توجه در شاخص دلار منجر شود، حتی پیش از آنکه تصمیم عملی گرفته شود.

بازار طلا نیز به طور سنتی به ریسک های ژئوپلیتیکی واکنش نشان می دهد. هرچه احتمال درگیری یا بی ثباتی بیشتر شود، تقاضا برای طلا به عنوان دارایی امن افزایش می یابد. در مقابل اگر سیگنال ها حاکی از کاهش تنش باشد، ممکن است بخشی از سرمایه از طلا خارج شود و به سمت دارایی های پرریسک تر مانند سهام حرکت کند. بنابراین ضرب الاجل های مبهم می توانند به

افزایش کوتاه مدت قیمت طلا منجر شوند، حتی اگر در نهایت هیچ تحول بنیادی رخ ندهد. بازارهای سهام نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بورس های جهانی معمولاً به اخبار مربوط به خاورمیانه حساس اند، زیرا این منطقه در قلب معادله انرژی جهانی قرار دارد. افزایش ریسک سیاسی می تواند شاخص های سهام را تحت فشار قرار دهد. به ویژه در بخش هایی مانند حمل و نقل، صنایع انرژی بر و شرکت های چندملیتی فعال در منطقه و در مقابل، خبر احتمال توافق می تواند موجی از خوش بینی ایجاد کند.

نکته مهم این است که بازارها پیش دستانه واکنش نشان می دهند، یعنی قبل از وقوع رویداد نهایی صرفاً بر اساس انتظار و احتمال معامله می کنند. این همان جایی است که ضرب الاجل کوتاه کارکردی فراتر از سیاست پیدا می کند. با اعلام ده روز یک «دوره انتظار» تعریف می شود. در این دوره تحلیلگران هر روز سیگنال ها را رصد می کنند، سرمایه گذاران موقعیت های خود را تنظیم می کنند و نوسان افزایش می یابد. حتی اگر در پایان ده روز هیچ تصمیم قطعی اعلام نشود، بازارها پیش تر چندین بار واکنش نشان داده اند و سود و زیان میان بازیگران توزیع شده است.

از منظر داخلی آمریکا نیز چنین اظهاراتی بی هزینه نیست. نمایش قاطعیت و تعیین زمان مشخص می تواند برای افکار عمومی پیام «کنترل اوضاع» داشته باشد. رئیس جمهور نشان می دهد که روندی را شخصاً مدیریت می کند و اجازه نمی دهد پرونده ای بی انتها باقی بماند. در عین حال ابهام در پیامد به او امکان می دهد که پس از پایان ضرب الاجل، روایت را بازتنظیم کند. اگر پیشرفتی حاصل نشود، آن را به عنوان موفقیت معرفی می کند و اگر نه، می تواند تقصیر را متوجه طرف مقابل کند یا از «گزینه های دیگر» سخن بگوید. در سطح منطقه ای، چنین جملاتی پیام های چندگانه ارسال می کند. متحدان آمریکا

در خلیج فارس و اسرائیل هر کدام برداشت خاص خود را دارند. برخی ممکن است از احتمال توافق نگران شوند و آن را به معنای تغییر در موازنه قدرت بدانند و برخی دیگر کاهش تنش را به سود ثبات منطقه ارزیابی کنند. ایران نیز باید میان واکنش تند یا نرم یکی را انتخاب کند، زیرا هر پاسخ می تواند در روایت طرف مقابل مورد استفاده قرار گیرد. در این میان ضرب الاجل کوتاه به ابزاری برای «آزمون واکنش ها» تبدیل می شود، واکنش هایی که خود بر تصمیم نهایی اثر می گذارند.

در انتها باید پذیرفت که در روابط پیچیده ایران و آمریکا، آنچه تعیین کننده است نه پایان یک بازه دهروزه، بلکه توازن منافع و محاسبه هزینه لافایده دو طرف است. اگر حل کامل تنش هزینه سیاسی بالایی داشته باشد و مدیریت سطحی از بحران سودمندتر به نظر برسد، چرخه ضرب الاجل های کوتاه و تمدیدهای مبهم ادامه خواهد یافت. ده روز ممکن است بگذرد و اتفاق خاصی نیفتد، اما اثر آن ده روز در ذهن سیاستمداران، در تصمیم سرمایه گذاران، در نمودار قیمت نفت، در شاخص دلار و در بهای طلا تا مدت ها باقی می ماند. بنابراین، این جمله را نباید صرفاً یک اعلام زمان دانست. این جمله بخشی از یک راهبرد ارتباطی و روانی است که همزمان بر دیپلماسی و اقتصاد جهانی اثر می گذارد. عدد ده، بیش از آنکه یک موعد قطعی باشد، ابزاری برای فشرده سازی زمان، تولید انتظار و ایجاد نوسان است. در جهانی که بازارها در کسری از ثانیه به خبر واکنش نشان می دهند، همین فشرده سازی می تواند میلیاردها دلار جابه جایی سرمایه ایجاد کند، حتی اگر در نهایت نتیجه ای ملموس اعلام نشود. در این معنا ضرب الاجل کوتاه نه فقط یک ابزار سیاسی، بلکه یک محرک اقتصادی جهانی است محرکی که با هر تکرار، نشان می دهد چگونه کلمات می توانند به اندازه تصمیم های رسمی بر ساختار قدرت و ثروت اثر بگذارند.

موردی برای مذاکرات

ایران در سند امنیت ملی آمریکا با محوریت رقابت با چین

علی رحیمی پور

سند امنیت ملی آمریکا در سال های اخیر، به وضوح سه تهدید اصلی را اولویت بندی کرده است: (۱) چین به عنوان «تنها رقیب راهبردی»، (۲) روسیه به عنوان «مخرب نظم بین المللی» و (۳) ایران به عنوان «عامل بی ثباتی منطقه ای».

تحلیل نقشه راه واشینگتن در قبال ایران، بدون درک جایگاه محوری رقابت با چین ناقص است. در ذیل، با الهام از چارچوب های تئوریک روابط بین الملل، به واکاوی این مسئله می پردازیم که سیاست آمریکا نسبت به ایران، عمدتاً تابعی از الزامات مهار چین است.

چارچوب تحلیلی: ایران به مثابه «جبهه ثانویه» در جنگ بزرگ ژئوپلیتیک بر اساس تئوری «موازنه تهدید» والت، ایالات متحده تهدید ایران را در ذیل تهدید بزرگ تر چین تعریف می کند. ایران به دلیل سه ویژگی، یک تهدید «پیچیده اما ثانویه» محسوب می شود:

۱. تهدید ایدئولوژیک و گفتمان و تمدن اسلامی
۲. تهدید ژئوپلیتیک منطقه ای: تلاش برای باز توزیع قدرت در خاورمیانه که می تواند منابع و توجه آمریکا را از اولویت اصلی (آسیا - اقیانوسیه) منحرف کند.
۳. تهدید عملیاتی نامتقارن (محور مقاومت): دارا بودن ظرفیت هایی (موشکی، پهپادی، محور مقاومت) برای ایجاد هزینه های بالا در صورت درگیری. سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران،

شکلی از «موازنه سخت انتخابی» است که هدف نهایی آن نه لزوماً تغییر رژیم، بلکه «خنثی سازی ایران به عنوان یک متغیر تقویت کننده چین» است. در این راستا، مذاکره نه یک هدف دیپلماتیک اصیل، بلکه یک «ابزار مدیریت ریسک راهبردی» در راستای اولویت چین است. ساختار بازدارندگی ایران و محدودیت های سیاست آمریکا در پرتو اولویت چین توان بازدارندگی نامتقارن ایران (شبکه هم پیمان منطقه ای، توان موشکی، اهرم تنگه هرمز، ژئوپلیتیک فعال) محاسبات واشینگتن را به یک «معمای امنیتی دوگانه» دچار می کند: از یک سو، مهار ایران مستلزم تخصیص منابع و توجه است. از سوی دیگر، هرگونه درگیری گسترده با ایران، به معنای «انحراف راهبردی فاجعه بار» از صحنه اصلی رقابت با چین خواهد بود.

هزینه یک جنگ تمام عیار با ایران - شوک انرژی جهانی، تخریب پایگاه های منطقه ای، درگیری فرا منطقه ای - آن قدر بالاست که عملاً گزینه نظامی را به یک «شکست خودخواسته» در رقابت با پکن تبدیل می کند.

مذاکره: ۱- به مثابه ابزاری در خدمت مهار چین ۲- بازگشت به رقابت بعد از انحراف راهبردی و شکست خودخواسته ۳- تاکتیک نظامی جهت غافلگیری ایران و جلوگیری از شوک فرسایشی بازار انرژی جهان (تا اتمام آرایش جنگی و تکمیل تمام پازل) با این پیش زمینه، مذاکره با ایران در چارچوب راهبرد کلان آمریکا دارای چند کار ویژه حیاتی است:

۱. انجماد بحران و تمرکز بر اولویت اصلی (چین): هدف، جلوگیری از تشدید ناگهانی تنش با ایران است که می تواند با ایجاد شوک انرژی و کشیدن منابع نظامی آمریکا به خاورمیانه، «پنجره فرصتی» استراتژیک برای چین در حوزه هایی مانند تایوان یا دریای جنوبی چین ایجاد کند.
۲. قطع پیوندهای راهبردی ایران و چین: مذاکره و چانه زنی به عنوان اهرمی برای وادار کردن ایران به محدود کردن همکاری های راهبردی با چین (مانند توافق ۲۵ ساله، مشارکت در ابتکار کمربند و جاده، همکاری نظامی) طراحی شده است. هدف، تضعیف کربدورهای انرژی و ترانزیتی است که می تواند به استقلال راهبردی چین از نظم تحت رهبری آمریکا بینجامد.
۳. آزادسازی منابع برای مهار چین: یا حتی فرایند مذاکره پایدار - می تواند توجیهی برای کاهش حضور نظامی پر هزینه آمریکا در خاورمیانه فراهم کند تا این منابع به سمت آسیا - اقیانوسیه منتقل شوند.
۴. جلوگیری از شکل گیری جبهه متحد ضد هژمونی آمریکا: مذاکره ابزاری برای پیشگیری از اتحاد عمیق تر ایران با بلوک شرق (چین - روسیه) است. آمریکا امیدوار است با ارائه مشوق های کنترل شده، ایران را از تبدیل شدن به یک «قطب مقاومت یکپارچه» در درون این بلوک بازدارد. با درک این چارچوب (رقابت کلان قدرت ها)، راهبرد بهینه ایران باید مبتنی بر «اهبرد تعادل پیچیده» باشد. این راهبرد را این گونه می توان پیشنهاد داد:

۱. دیپلماسی فعال چندمحوری: استفاده هوشمندانه از رقابت آمریکا و چین برای افزایش قدرت چانه زنی. ایران می تواند با حفظ روابط راهبردی با چین و روسیه، اهرم هایی برای مذاکره با غرب ایجاد کند، اما باید از وابستگی مطلق به هر بلوک اجتناب کند.
۲. تقویت بازدارندگی به عنوان زیرساخت امنیت ملی: توسعه مستمر توان موشکی، پهپادی، سایبری و نیابتی نه تنها برای دفاع در برابر تهدیدات مستقیم، بلکه به عنوان «سرمایه امنیتی» در تمامی معادلات دیپلماتیک عمل می کند. این بازدارندگی، هزینه «انحراف راهبردی» آمریکا به سمت ایران را افزایش می دهد.
۳. ارائه مدل همکاری اقتصادی - امنیتی جایگزین: ایران می تواند با تقویت نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و همکاری های منطقه ای، مدلی از نظم امنیتی و اقتصادی ارائه دهد که وابستگی به دلار و ساختارهای تحت رهبری آمریکا را کاهش می دهد. این امر، جذابیت ایران را به عنوان یک شریک برای کشورهای منطقه در برابر فشارهای آمریکا افزایش می دهد.
۴. دیپلماسی عمومی هوشمند: افشای نقش ایران به عنوان «قربانی سیاست مهار دوگانه» آمریکا که از یک سو به دنبال مهار ایران و از سوی دیگر درگیر رقابت با چین است. این گفتمان می تواند مشروعیت اقدامات آمریکا را نزد افکار عمومی جهانی و حتی برخی متحدان سنتی واشینگتن زیر سؤال ببرد.
۵. تبیین سیاست پشت پرده ایالات متحده که



تجارت فرش از رونق افتاد؛

سقوط برند ایرانی نتیجه محدودیت‌های مقرراتی

هم باید به عنوان دلایل سقوط میزان صادرات فرش عنوان کرد.

خطر مرگ سرمایه‌های انسانی و

فرهنگی

به گفته حقیقت‌نژاد، از منظر اقتصادی، کاهش صادرات فرش فقط یک مسئله بخشی نیست، بلکه نشانه‌ای از ضعف سیاست‌گذاری در حوزه صادرات غیرنفتی است. فرش دستباف می‌توانست یکی از ستون‌های پایدار ارزآوری کشور باشد؛ کالایی با ارزش افزوده بالا، اشتغال‌زایی گسترده و وابستگی اندک به واردات. اما بی‌توجهی به احوالات این صنعت، آن را به حاشیه رانده و جای آن را کالاهایی گرفته که با خام‌فروشی‌اند یا مزیت رقابتی پایداری ندارند. ادامه این روند، پیامدهای اجتماعی نیز دارد.

رئیس اتحادیه فروشنندگان فرش دستبافت اصفهان تأکید کرد: صدها هزار بافنده که اغلب در مناطق روستایی و کم‌برخوردار فعالند، به‌طور مستقیم از رکود صادرات فرش آسیب دیده‌اند. کاهش سفارش، کاهش درآمد و نااطمینانی نسبت به آینده، باعث شده این شغل تاریخی جذابیت خود را از دست بدهد. این یعنی از دست رفتن همزمان سرمایه انسانی، فرهنگی و اقتصادی. اگر سیاست‌گذار قصد احیای صادرات فرش را دارد، باید بپذیرد که این حوزه با دستورالعمل‌های کوتاه‌مدت و نگاه صرفاً ارزی نجات پیدا نمی‌کند.

ثبات در مقررات صادراتی، بازنگری در تعهدات ارزی متناسب با ماهیت فرش، حمایت هدفمند از زنجیره تولید و بازاریابی حرفه‌ای در بازارهای هدف، حداقل پیش‌نیازهای بازگشت ایران به جایگاه گذشته است. در غیر این صورت، کاهش صادرات فرش نه یک هشدار مقطعی، بلکه نقطه پایان تدریجی یکی از مهم‌ترین برندهای اقتصادی ایران خواهد بود.



ایران از دست داده، نه فقط بازار، بلکه اعتماد خریدار خارجی است؛ اعتمادی که با نوسان مقررات، مشکلات نقل‌وانتقال پول و نبود برند ملی منسجم، تضعیف شده است.

تعارض قوانین داخلی با تجارت خارجی

حقیقت‌نژاد خاطر نشان کرد: ایران به ذات تحریم‌هایی که درگیر آن است، نمی‌تواند بازارهای متعددی را به راحتی تصرف کند و درآمدهای ارزی را به کشور بازگرداند. از سویی دیگر ذات تجارت فرش بلند مدت است و درآمد حاصل از فروش آن در زمان کوتاه به دست نمی‌آید.

وی گفت:بخشی از قوانین تجاری در تعارض با این حقیقت هستند و همین باعث شده تا بازرگانان رغبت چندانی برای ورود به عرصه فرش نداشته باشند؛ بنابراین ضمن فعالیت زیاد رقبای، کم‌کاری از سمت داخل را

صادرات فرش ایران طی چند سال اخیر کاهش جدی داشته، برخی دلیل آن را تحریم‌های بانکی و مسائل ارزی می‌دانند، اما این تمام ماجرا نیست. بسیاری از رقبای ایران، از جمله هند، پاکستان، نپال و حتی چین، بدون برخورداری از پیشینه فرهنگی و هنری فرش ایرانی، توانسته‌اند با استفاده از زنجیره تامین منسجم، بازاریابی مدرن و ثبات مقررات صادراتی، سهم ایران را در بازارهای اروپا و آمریکا تصاحب کنند. افغانستان هم در منطقه خاورمیانه کم کم در حال رشد است و حتی در ایران هم شاهد ورود فرش این کشور هستیم.

ایمن فعال صنعت فرش تأکید کرد: در طول قرن‌ها، فرش ایرانی کاملاً بی‌رقیب بود، اما کم‌کاری ما در حفظ مقاصد، باعث شده تا از همه کشورها عقب بمانیم. در واقع، آنچه

نزدیک شده است. این افت تنها عددی نیست، بلکه بیانگر خروج تدریجی ایران از بازارهایی است که زمانی به‌صورت سنتی در اختیار داشت.

قراردادهای فروش فرش کوتاه مدت

نیست

یکی از عوامل کلیدی این افول، سیاست‌های ارزی ناپایدار و در برخی مواقع متناقض است. الزام صادرکنندگان فرش به بازگشت ارز با سازوکارهایی که متناسب با ماهیت این کالا نیست، در عمل بخش بزرگی از فعالان این حوزه را از چرخه رسمی صادرات خارج کرده است. از راهکارهایی مانند عرضه ارز در بازار تبادل گرفته تا سامانه‌هایی که برای ترغیب صادرکنندگان شکل گرفت. هر چند که باید اذعان کرد بخشی از این راهکارها، برای صادرکننده‌ای که می‌خواست در چارچوب‌های قانونی فعالیت کند مانع‌آفرین نبود، اما چالش اصلی، مسئله تحریم‌های بانکی و دشواری ورود ارز به کشور بود.

وقتی صادرکننده نتوانست ارزهای حاصل از فروش را به کشور بازگرداند و تسهیلی در این باره صورت نگرفت، خود به خود تجار از ادامه فعالیت منصرف شدند. اگر به این گره، روال فروش فرش را هم اضافه کنیم، شرایط بدتر خواهد شد. فرش دستباف کالایی نیست که با قراردادهای کوتاه‌مدت و تسویه‌های سریع دلاری معامله شود؛ فروش آن زمان‌بر، بازارمحور و مبتنی بر اعتماد بلندمدت است. وقتی سیاست ارزی این واقعیت را نادیده می‌گیرد، نتیجه چیزی جز کاهش صادرات رسمی و از دست رفتن بازارها نخواهد بود.

چین جای ایران را گرفت

مهدی حقیقت‌نژاد، رئیس اتحادیه فروشنندگان فرش دستبافت اصفهان و فعال صنعت فرش در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ ، درباره وضعیت تجارت فرش ایرانی گفت:

یک فعال صنعت فرش می‌گوید: در طول قرن‌ها، فرش ایرانی کاملاً بی‌رقیب بود، اما کم‌کاری ما در حفظ مقاصد، باعث شده تا از همه کشورها عقب بمانیم. در واقع، آنچه ایران از دست داده، نه فقط بازار، بلکه اعتماد خریدار خارجی است؛ اعتمادی که با نوسان مقررات، مشکلات نقل‌وانتقال پول و نبود برند ملی منسجم، تضعیف شده است.

به گزارش روزنامه صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴ – صادرات فرش دستباف ایران که زمانی یکی از نمادهای قدرت نرم اقتصادی کشور و منبع پایدار ارزآوری غیرنفتی بود، در سال‌های اخیر به شکلی معنادار وارد مسیر نزولی شده است، مسیری که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً به تحریم یا رکود جهانی نسبت داد. از دهه‌ها یا شاید بهتر باشد بگوییم قرن‌های پیشین، فرش ایرانی در جهان به عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی این کشور در جهان شناخته می‌شد و رقیبی هم نداشت. مبالغ هنگفتی هم برای فروش آن عاید تجار و کشور می‌شد.

حال با سقوط آزاد فروش فرش چه در تعداد و چه در حجم مالی آن روبه‌رو شده‌ایم، اتفاقی که بیش از هر چیز نشانه فرسایش یک مزیت تاریخی است که در نبود سیاست‌گذاری دقیق، حمایت هدفمند و درک صحیح از بازار جهانی، به‌تدریج در حال حذف شدن از سبد صادراتی ایران است.

بررسی روندها نشان می‌دهد صادرات فرش دستباف ایران که در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ شمسی، سالانه بیش از ۲ میلیارد دلار ارزآوری داشت، امروز به سطحی رسیده که حتی در مقایسه با کشورهای نوظهور این صنعت نیز قابل دفاع نیست. طی سال‌های اخیر، ارزش صادرات فرش ایران به زیر چند صد میلیون دلار سقوط کرده و در برخی سال‌ها حتی به مرزهای نگران‌کننده‌تری

علی‌خدایی، عضو شورای عالی‌کار؛

درصدسازی‌های رایج دیگر پاسخگوی هزینه‌ها نیست

شورای عالی کار بیان کرد: تصویب حق مسکن جزو اختیارات شورای عالی کار نیست و شورای عالی کار در این خصوص صرفاً پیشنهاد دهنده است. هیئت وزیران باید رقم ۳ میلیونی که از سوی شورای عالی کار پیشنهاد و ارجاع شده را تصویب کند و ماهنوز منتظر اعلام نتیجه هستیم. بقیه آیتم‌های مزدی که همان پکیج کرد ۱۴۰۵ است، هنوز به طور دقیق تعیین نشده است.

او ادامه داد: در سال‌های گذشته معمولاً پیشنهاد شورای عالی کار در هیئت دولت تصویب شده است و این بار نیز امیدواریم این رقم تایید شود.

خدایی با اشاره به مواضع گروه کارگری مبنی بر لزوم تعیین دستمزدی متناسب با هزینه‌های کارگری و عقب‌ماندگی مزدی طی سال‌های گذشته گفت: امسال گروه کارگری انتظار همراهی دولت برای افزایش متناسب دستمزد کارگران را دارد. در حال حاضر دستمزد کارگران به هیچ وجه کفاف هزینه‌های بالای این روزها را نمی‌دهد و یک تصمیم اساسی برای افزایش قدرت خرید کارگران نیاز است.

این فعال کارگری در پایان خاطرنشان کرد: واقعیت این است که اعلام درصد برای افزایش مزد کارگران اصلاً پاسخگوی وضعیت نیست. هدف اصلی ما جبران قدرت خرید از دست رفته کارگران است. به هر حال تا هفته آتی تاریخ دقیق جلسه بعدی شورای عالی کار مشخص خواهد شد.

به اینکه درحال حاضر نمایندگان کارگری در کمیته مزد در حال نهایی کردن رقم سبد معیشت هستند، گفت: پس از آن شورای عالی کار به طور جدی به این موضوع ورود خواهد کرد.

خدایی خاطرنشان کرد: حذف ارز ترجیحی معیشت کارگران را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تورم ماه‌های اخیر رقم سبد معیشت را به شدت افزایش داده است. این موضوع موجب شد که در کمیته مزد نیاز به افزایش

و به‌روزرسانی سبد معیشت کارگران باشد که به زودی نهایی می‌شود و همین رقم سبد معیشت مبنای تعیین دستمزد ۱۴۰۵ خواهد بود.

در هفته آینده به طور جدی به

دستمزد ۲۴۵۵۰۰ ورود می‌کنیم

وی با اشاره به اینکه تلاش می‌شود سبد معیشت کارگران با توجه به داده‌های بهمن ماه تعیین شود، گفت: پیش‌بینی می‌کنم تا هفته آینده جلسات شورا برای تعیین دستمزد ۱۴۰۵ به صورت رسمی آغاز شود. این عضو شورای عالی کار با اشاره به طرح موضوع حق مسکن کارگران در جلسات اخیر



عالی کار در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصاد ۲۴ از برگزاری دو نشست مشترک نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت برای تصویب رقم نهایی مزد ۱۴۰۵ خبر داده و گفت: در این دو جلسه موضوعات کلی برای بررسی وضعیت بازار کار، معیشت کارگران و بنگاه‌های تولیدی بوده است. وی افزود: تاکنون به صورت جدی به مقوله دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۵ ورود و در نتیجه هنوز رقمی تعیین نشده است. ارقایی که تاکنون در رسانه‌ها مطرح شده، عمدتاً گمانه‌زنی‌ها یا پیشنهادات چهره‌ها است.

این عضو کارگری شورای عالی کار با اشاره

۱۱ میلیون تومان کسری وجود دارد.

بر اساس این محاسبات، هزینه روزانه خوراکي یک خانوار به بیش از ۸۳۰ هزار تومان رسیده و با در نظر گرفتن سهم سایر هزینه‌ها از جمله مسکن و بهداشت، رقم واقعی سبد معیشت به عدد ۶۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان میل می‌کند. در چنین شرایطی، حقوق ۱۴ میلیون تومانی فعلی، تنها برای ۶ روز نخست ماه کافی است.

در سوی دیگر میز، دولت و کارفرمایان اگرچه بر سخت

بودن شرایط معیشتی اذعان دارند و صحبت از افزایش‌های بالاتر از نرخ رسمی تورم به میان آمده، اما سایه حذف ارز ترجیحی و نوسانات شدید قیمت‌ها، هرگونه محاسبه قطعی برای سبد معیشت را با چالش مواجه کرده است. اما این روزها جلسات تعیین دستمزد کارگران چطور پیش رفته است و آیا در مذاکرات ۱۴۰۵، اراده‌ای برای نزدیک شدن به واقعیت‌های ۶۵ میلیونی سبد معیشت وجود دارد؟

کمیته مزد در حال کار روی تعیین سبد معیشت

علی خدایی، عضو کمیته دستمزد شورای

علی خدایی با اشاره به سقوط قدرت خرید کارگران پس از حذف ارز ترجیحی، اعلام کرد که رقم جدید سبد معیشت بر اساس داده‌های بهمن‌ماه، مبنای اصلی مذاکرات مزد ۱۴۰۵ خواهد بود. درصدسازی‌های رایج دیگر پاسخگوی هزینه‌ها نیست و هدف گروه کارگری، جبران واقعی قدرت خرید از دست رفته است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- ماه آخر سال همواره با چانه‌زنی مزدی گره خورده است. روزهایی که پشت درهای بسته ساختمان وزارت کار، نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت در تلاشند تا عددی را برای معیشت میلیون‌ها خانوار در سال پیش رو تصویب کنند. اما واقعیت تلخ سال‌های اخیر نشان داده که شتاب تورم همواره چندین گام جلوتر از رقم نهایی دستمزد سالانه می‌دود.

امسال، اما رزمه‌های تعیین دستمزد ۱۴۰۵ در حالی به گوش می‌رسد که اعداد و ارقام، از یک «بربحران معیشتی» پرده برمی‌دارند. اگر زمانی بحث بر سر این بود که مزد چقدر از سبد معیشت را پوشش می‌دهد، حالا صحبت از این است که مزد فعلی حتی به نیمه ماه هم نمی‌رسد. محاسبات فرامرز توفیقی، عضو پیشین کمیته دستمزد، نشان می‌دهد که هزینه خوراک‌های یک خانوار کارگری ۳۳ نفره تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۴، از مرز ۲۵ میلیون تومان عبور کرده است. این یعنی این روزها حتی اگر تمام حقوق یک کارگر صرفاً برای «غذا» هزینه شود، باز هم حدود

تبعات تصویب طرح موسوم به «حمایت ورسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»؛

طرح کمیسیون فرهنگی، تنش ها را بیشتر و کشور را بحران زده تر می کند



بهمین ۱۴۰۴) اما، آخرین خبری است که در این خصوص منتشر شده است.

از تعارض منافع تا نشانه گرفتن اقتصاد رسانه با تنبیهات و مجازات‌های انتظامی

با این حساب، از اولین ایرادات وارده به طرح موسوم به «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»؛ یعنی «تعارض منافع» و «تثبیت و افزایش شعاع قدرت صداوسیما و تبدیل آن به ناظر محتوای رسانه‌های کاربر محور، ناشرمحور و شبکه نمایش خانگی» که بگذریم مشاهده می‌کنیم؛ طرح مذکور نه فقط شامل جنبه‌های اصطلاحاً فرهنگی که در فصول چهارم تا هفتم شامل جنبه‌های انتظامی و قضایی نیز هست. ضمن این که «تنبیهات و مجازات‌های انتظامی» برشمرده در فصل پنجم، مشخصاً اقتصاد رسانه را نشانه گرفته است. از این رو است که سعید رجبی فروتن، دبیر جامعه تشکل‌های صنفی تخصصی رسانه‌های تصویری می‌گوید پیش از تبدیل طرح مذکور به قانون، دست کم باید شاهد شکل‌گیری «کمیسیون مشترک متشکل از کمیسیون فرهنگی، کمیسیون قضایی و حقوقی و کمیسیون اقتصادی در مجلس» باشیم. کمیسیون مشترکی که به طور هم‌زمان این طرح را مورد بررسی قرار دهد و ایرادات آن را احصاء کند.

طرح کمیسیون فرهنگی؛ یاری‌رسان فعالان علیه جمهوری اسلامی

قادر باستانی تبریزی، روزنامه‌نگار، مدرس دانشگاه و عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در گفت‌وگو با خبرنگارآنلاین طرح موسوم به «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه

قادر باستانی تبریزی، مدرس علوم ارتباطات معتقد است با تصویب طرح موسوم به «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت‌وتصویر فراگیر در فضای مجازی» و سپردن مسئولیت «تنظیم‌گری، صدور مجوز و نظارت بر رسانه‌های کاربرمحور و ناشرمحور و نیز شبکه نمایش خانگی» به صداوسیما، کشور که در شرایط حساس و خطر وجودی است، با بحران‌های جدید روبه‌رو می‌شود. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، استناد کمیسیون فرهنگی مجلس دوازدهم برای ارائه طرح موسوم به «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت‌وتصویر فراگیر در فضای مجازی»، چنان‌چه گفته می‌شود به بند «پ» ماده (۷۷) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم مصوب ۱۴۰۳ و مصوبه جلسه ۸۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ است. با این حال از زمان اعلام وصول این طرح در جلسه علنی مجلس (۱۴ آبان) تا کمی پیش‌تر (۱۲ بهمن) که علی‌اکبر علیزاده‌برمی، عضو کمیسیون فرهنگی از تصویب ساده یک آن (تعاریف) خبر داد، کارشناسان علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری، حقوقدانان و همچنین فعالین صنفی صنعت رسانه‌ای کشور، در قامت منتقد، در حال هشدار نسبت به تبعات تبدیل این طرح به قانون هستند. ازجمله منتقدانی که تاکنون در خصوص تبعات

تبدیل طرح کمیسیون فرهنگی به قانون، به گفت‌وگو با خبرنگارآنلاین نشسته‌اند می‌توان به کامبیز نوروزی حقوقدان و کارشناس رسانه و آرمینا شفیع‌ی مدرس و پژوهشگر حقوق رسانه همچنین اعضای شورای مرکزی جامعه تشکل‌های صنفی تخصصی رسانه‌های تصویری ایران: احمد تقوی‌پویا (رئیس)، سعید رجبی فروتن (دبیر) و حجت قاسم‌زاده‌اصل (نائب رئیس دوم) اشاره کرد. اعضای شورای مرکزی جامعه تشکل‌های صنفی تخصصی رسانه‌های تصویری همچنین روز جمعه اول اسفند، با انتقاد از طرح مذکور، آن را باعث «افزایش نااطمینانی حقوقی و انسداد کامل تمام اشکال آزادی‌های فردی و اجتماعی در زیست‌بوم رسانه‌های دیجیتال کشور» و «تیر خلاصی بر پیکره صنعت رسانه‌ای کشور» دانستند و خواستار بازنگری در تصویب آن شد. انتشار خبر بررسی ۸۰ درصد این طرح توسط ۹ نفر از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس در مشهد برای قرارگرفتن در نوبت بررسی طرح‌ها در صحن علنی مجلس (۱۷

مانند دیوار و آپارات نیز برای بارگذاری محتوا توسط کاربران باید هویت آن‌ها را به طور کامل احراز کنند. هیأت‌های بدوی و عالی رسیدگی به تخلفات هم تماماً توسط رئیس صداوسیما منصوب می‌شوند.»

باستانی تصریح کرد: «من فکر می‌کنم، تلاش‌های بی‌وقفه نمایندگان برای بستن فضای مجازی، در ادامه طرح‌های صیات ۱ و ۲، دنبال می‌شود و هدف آن‌ها کنترل انتشار مطالب، محدود کردن حق دسترسی ملت به منابع خبر و مسدود کردن جریان آزاد اطلاعات است و یقیناً اگر کمی از این تلاش‌ها صرف حمایت از حق آزادی بیان ملت می‌شد، وضعیت رسانه‌ها متفاوت بود.»

استناد به نظریه مهر ۱۳۷۹ شورای نگهبان، برای محیط وب خطاست

او با بیان این که «استناد به نظر تفسیری شورای نگهبان مصوب ۱۰/۰۷/۱۳۷۹ مبنی بر انحصار پخش صوت و تصویر فراگیر به صداوسیما، برای محیط وب کاملاً خطاست» تصریح کرد: «آن نظریه مربوط به فناوری‌های رادیویی و تلویزیونی بود و اینترنت در ایران آن زمان وجود نداشت و تعمیم این نظریه به پلتفرم‌های اینترنت و نمایش خانگی، اشتباه حقوقی بزرگی است. رسانه‌های کاربرمحور شامل اینستاگرام، یوتیوب و ... خارج از شمول اصل ۱۷۵ هستند و مشمول انحصار دولتی نمی‌شوند.» اشاره باستانی تبریزی به «نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی در خصوص امکان تأسیس و راهاندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی مصوب ۱۰/۰۷/۱۳۷۹» است. در بخشی از نظریه شورای نگهبان که به‌درخواست علی لاریجانی رئیس‌وقت صداوسیما ارائه شد، آمده است: مطابق نص صریح اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران... انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبرنوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صداوسیما خلاف اصل مذکور است.» نکته قابل توجه این که، با توجه به تاریخ صدور این نظریه تفسیری که سال ۱۳۷۹ بوده است، در آن زمان هنوز بحث صوت‌وتصویر در فضای اینترنت مطرح نبود و اساساً هنوز IPTV و VOD ابداع نشده بودند و بیشتر، از ماهواره و تلویزیون کابلی (به عنوان نمونه تلویزیون کابلی

زمین مزروعی به مساحت ۳۹۷۴/۶۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۹- اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی کلاته مصطفی از محل مالکیت رسمی ومشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.ضمناً صدور سند مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ م.الف ۱۱۴۳

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۱۰/۱۵۱۱/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه سه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره۸۸۲-۰۰۳۶۲۶۶۰۰۰۴۶۰۳۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه سه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین نظامی فرزند ذبیح اله به شماره شناسنامه ۸۶۳۳ صادره از شیروان در ششادنگ ثبت باب خانه و مغازه متصل به آن به مساحت ۱۴ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲۷ فرعی از ۲۳۸ اصلی بخش ۹ مشهد واقع در سیدی شهید اصلی ۲۹ که خود مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ م.الف ۱۱۶۹۸

ابوالقاسم نظام زاده – رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه سه مشهد

۲-رای شماره ۱۰۱۶۴۲۱-۰۳۰۶۰۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۴۰۴/۱۱/۲۲ آقای مختارحسن زاده ثانی چری به شماره ملی ۶۳۵۹۳۷۵۴۰ نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۳۲/۳۵ متر مربع خریداری از آقای ابوالقاسم رضائی کلاته میرزا محمدرضا مالک رسمی لذا به موجب ماده ۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوط این آگهی در دو نوبت فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی کثیر الانتشار در شهر ها منتشر و در روستا ها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشد باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند متعزز باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا متعزز ،گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست بدیهی است برابر ماده ۱۳ قانون آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود ،مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر مینماید. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ م.الف ۱۱۴۴

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۱۰/۱۵۱۱/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۹۸-۱۰۱۶۰۹۰۰۳۰۶۰۱۴۰۴۶۰۳۰۱۴۰۴/۱۱/۱۵ هیات ۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی شهبازپور فرزند خاترن بشماره ملی ۰۸۷۱۲۱۵۱۶۰ صادر از قوچان در یک قطعه

امید خیر خواه - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد



فیش های عیدی باز نشستگان بار گذاری شد

عضو هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی با اشاره به پرداخت عیدی باز نشستگان از بار گذاری فیش های عیدی باز نشستگان خبر داد و ابراز امیدواری کرد که پرداخت ها طی ۲ روز آینده انجام شود. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، علی اصغر بیات در جمع

خبرنگاران درخصوص وضعیت پرداخت عیدی باز نشستگان سازمان تأمین اجتماعی، اظهار کرد: فیش های عیدی باز نشستگان بار گذاری شده است و امید است پرداخت ها طی ۲ روز آینده انجام شود. ایسنا در خبری نوشت: وی درخصوص

از ترس قاتاب آوری؛

نقش جامعه و رسانه در کاهش اضطراب



استفاده از جملاتی که بر مراقبت و حمایت بزرگسالان تأکید می کند، می تواند احساس امنیت ایجاد کند. همچنین همراه کردن گفت و گو با فعالیت های خلاقانه مانند نقاشی یا داستان سازی، به کودک کمک می کند احساسات خود را پردازش کند.

چه اقداماتی در محیط خانه، مدرسه و جامعه می تواند به کاهش اضطراب کودکان کمک کند؟

کودکان در شرایط بحران بیش از هر چیز به نظم و پیش بینی پذیری نیاز دارند. حفظ برنامه های روزمره مانند خواب، تغذیه، مدرسه و بازی، حس ثبات را تقویت می کند. فعالیت های هنری، قصه گویی، بازی و موسیقی ابزارهای مؤثری برای کاهش اضطراب و بیان احساسات هستند. مدارس می توانند با آموزش مهارت های مدیریت هیجان، شناسایی نشانه های اضطراب و ایجاد فضای امن گفت و گو نقش مهمی ایفا کنند. رسانه ها نیز با پوشش مسئولانه اخبار و پرهیز از تصاویر و روایت های هراس انگیز می توانند به کاهش اضطراب جمعی کمک کنند. ایجاد فضاهای امن فرهنگی و اجتماعی برای بازی، گفت و گو و فعالیت های خلاقانه نیز به بازسازی احساس امنیت کمک می کند. برای جامعه نیز این موضوع یک مسئولیت جمعی است. نظام آموزشی باید از حافظه محوری فاصله گرفته و مهارت تفکر انتقادی، درک رسانه، و فرهنگ مطالعه را در اولویت قرار دهد.

چگونه می توان از دل بحران، تاب آوری و امید را در کودکان تقویت کرد؟

تاب آوری به معنای توانایی سازگاری و رشد در شرایط دشوار است. کودکان زمانی تاب آور می شوند که احساس کنند تنها نیستند، صدایشان شنیده می شود و می توانند در بهبود وضعیت نقش داشته باشند. مشارکت کودکان در فعالیت های امیدبخش مانند کارهای هنری گروهی، فعالیت های داوطلبانه یا برنامه های آموزشی درباره صلح و همکاری، احساس کنترل و توانمندی را در آنان تقویت می کند. داستان ها و روایت هایی درباره همکاری، همدلی و عبور از دشواری ها می توانند نگاه امیدوارانه به آینده را تقویت کنند.

در جهانی که بحران ها، انتخاب ناپذیرند، چگونه می توان کودکان را برای «مواجهه سالم» با واقعیت آماده ساخت؟

جهان امروز را نمی توان از بحران خالی کرد، اما می توان کودکان را برای مواجهه سالم با واقعیت آماده ساخت. گفت و گو صادقانه، ایجاد احساس امنیت، حفظ نظم زندگی، تقویت همبستگی اجتماعی و پرورش امید، عناصر اساسی حفاظت از سلامت روانی کودکان هستند. واقعیتهای تهدید کننده را نباید نادیده گرفت؛ بلکه در آرامش ذهنی، اعتماد اجتماعی و امید به آینده معنا می یابد. هر جامعه ای که بتواند این احساس را در کودکان خود پرورش دهد، بنیان آینده ای پایدار و انسانی را بنا نهاده است. کودکان در تاریک ترین زمان ها نیز می توانند چراغ امید باشند، اگر بزرگسالان پیرامونشان فضایی آکنده از آرامش، محبت و خرد فراهم آورند.

تخیل آنان اغلب هراس انگیزتر از واقعیت است. سکوت بزرگسالان می تواند پیام ناگفته ای از خطر و ناامنی منتقل کند. گفت و گو با کودک به معنای انتقال ترس نیست، بلکه به معنای ایجاد فهم، اطمینان و احساس امنیت است. کودکان نیاز دارند بدانند چه اتفاقی رخ داده، چه کسانی مسئول حفظ امنیت هستند و چه اقداماتی برای محافظت از آنان انجام می شود. اطلاع رسانی باید متناسب با سن، ساده، صادقانه و آرام باشد. هدف این گفت و گوها ایجاد حس کنترل و کاهش ابهام است، نه توضیح جزئیات خشونت.

جنگ و ناامنی چه پیامدهای روانی و رفتاری برای کودکان دارد؟

پژوهش های روان شناختی نشان می دهد قرار گرفتن در معرض ناامنی می تواند طیفی از واکنش ها را در کودکان ایجاد کند. در کوتاه مدت، نشانه هایی مانند ترس، کابوس، اختلال خواب، وابستگی شدید به والدین، گوشه گیری، تحریک پذیری یا پر خاشگری دیده می شود. برخی کودکان هم دچار ایدت تمرکز و کاهش انگیزه تحصیلی می شوند.

در بلندمدت چطور؟ ممکن است این عوارض ماندگار شوند؟

در بلندمدت، اضطراب مزمن، افسردگی، کاهش اعتماد اجتماعی، مشکلات هویتی و اختلال در تنظیم هیجان ها ممکن است بروز یابد. کودکان خردسال به دلیل ناتوانی در بیان احساسات، اضطراب را درونی می کنند و این اضطراب ممکن است سال ها بعد به شکل اختلالات روانی یا حتی مشکلات جسمانی ظاهر شود. در شرایط اقتصادی و اجتماعی دشوار، فشارهای خانوادگی نیز می تواند شدت این پیامدها را افزایش دهد.

والدین چگونه می توانند احساس امنیت را در کودکان تقویت کنند؟

والدین مهم ترین منبع امنیت روانی کودک هستند. کودکان از رفتار، لحن صدا و واکنش های عاطفی بزرگسالان برداشت می کنند که آیا جهان امن است یا خطرناک. حفظ آرامش، پرهیز از بزرگنمایی خطر و پاسخ گویی صادقانه به پرسش های کودک از مهم ترین اقدامات حمایتی محسوب می شود. کودکان باید فرصت بیان نگرانی های خود را داشته باشند و احساسات آنان تأیید شود.

یا نظامی را درک کنند، آثار روانی آن را احساس می کنند. بنابراین نحوه مواجهه جامعه با احساس امنیت کودکان، تعیین کننده کیفیت آینده اجتماعی است. در شرایطی که جامعه ایران نیز همچون بسیاری از جوامع دیگر با تنش های منطقه ای، فشارهای اقتصادی، بحران های زیست محیطی و نگرانی های اجتماعی روبه روست، پرداختن علمی و مسئولانه به سلامت روانی کودکان ضرورتی انکارناپذیر است.»

مشروح این گفت و گو را در ادامه می خوانید:

چرا کودکان در شرایط جنگ و بحران بیش از دیگران آسیب می بینند؟

کودکان از نظر زیستی، شناختی و عاطفی در حال رشد هستند و هنوز ابزارهای ذهنی لازم برای تحلیل رویدادهای خشونت بار را در اختیار ندارند. در نتیجه، ناامنی را نه به صورت منطقی بلکه به صورت احساسی تجربه می کنند. آنان به شدت به ثبات محیط، آرامش بزرگسالان و پیش بینی پذیری زندگی وابسته اند. هرگونه اختلال در این ثبات، می تواند احساس امنیت بنیادین آنان را متزلزل سازد. جنگ و بحران تنها پدیده هایی فیزیکی نیستند؛ موج روانی آن ها از طریق اخبار، فضای مجازی، گفت و گوهای بزرگسالان و نگرانی های خانوادگی منتقل می شود.

در مناطق دور از خطر و درگیری چطور؟ این احساس همچنان در کودکان شکل می گیرد؟

بله، حتی کودکانی که کیلومترها دور از میدان درگیری زندگی می کنند، ممکن است اضطراب جمعی را تجربه کنند. در جامعه ایران، تجربه تاریخی جنگ، فشارهای اقتصادی، تغییرات اجتماعی و گسترش رسانه ها، زمینه های فراهم کرده که حساسیت روانی خانواده ها افزایش یابد. در چنین بستری، هر تنش جدید می تواند احساس ناامنی را تشدید کند و کودکان نخستین دریافت کنندگان این اضطراب باشند.

در چنین شرایطی آیا باید کودکان را از واقعیت های تلخ دور نگه داشت یا با آنان گفت و گو کرد؟

پنهان سازی کامل واقعیت ها معمولاً به افزایش ترس می انجامد. کودکان خلأ اطلاعاتی را با تخیل خود پر می کنند و

یک پژوهشگر حقوق کودک به خبرآنلاین می گوید: «حتی کودکانی که کیلومترها دور از میدان درگیری زندگی می کنند، ممکن است اضطراب جمعی را تجربه کنند. در جامعه ایران با وجود تجربه تاریخی جنگ، فشارهای اقتصادی و تغییرات اجتماعی، هر تنش جدید می تواند احساس ناامنی را تشدید کند و کودکان نخستین دریافت کنندگان این اضطراب باشند.»

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین در روزهایی که زمزمه ها و تحلیل های گاه و بگاهی گاه درباره احتمال درگیری نظامی در ایران در فضای رسانه ای و شبکه های اجتماعی دست به دست می شود، اضطراب تنها در سطح معادلات سیاسی باقی نمی ماند؛ این نگرانی به درون خانه ها نفوذ می کند و در گفت و گوهای خانوادگی، لحن خبرها و حتی سکوت بزرگ ترها بازتاب می یابد. در چنین فضایی، کودکان، که توان تحلیل این پیچیدگی ها را ندارند، پیش از آنکه معنای «جنگ» را بفهمند، نشانه های ناامنی را احساس می کنند.

پرسش اصلی اینجاست که در مواجهه با این فضای ملتهب چه باید کرد؟ آیا باید کودکان را از هر خبر و گفت و گویی دور نگه داشت، یا با زبانی متناسب با سنشان درباره واقعیت ها صحبت کرد؟ چگونه می توان میان آگاهی بخشی و ایجاد احساس امنیت تعادل برقرار کرد تا ترس به اضطراب مزمن تبدیل نشود؟

دکتر محمد مهدی سیدناصری، حقوق دان و پژوهشگر حقوق بین الملل کودکان، با تمرکز بر شرایطی که جامعه ایران با اخبار و تحلیل های مرتبط با جنگ روبه روست، به ابعاد روانی، اجتماعی و حقوقی این مسئله می پردازد. او توضیح می دهد که چرا کودکان در برابر فضای نااطمینانی آسیب پذیرترند، چه نشانه هایی از اضطراب ممکن است بروز دهند و خانواده ها، مدارس و رسانه ها چگونه می توانند به جای باز تولید هراس، زمینه شکل گیری تاب آوری، امید و احساس کنترل را در آنان تقویت کنند.

این پژوهشگر به خبرآنلاین می گوید: «در جهان امروز، کودکان نه تنها آینده سازان جامعه، بلکه حساس ترین شاخص سلامت روانی و اخلاقی آن به شمار می آیند. آنان پیش از آنکه معنای بحران های سیاسی

خبر

کلاهبرداری با شگرد «واسپاری و لیزینگ خودرو»



معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا با تشریح شیوه جدید کلاهبرداری تحت عنوان واسپاری خودرو یا لیزینگ، نسبت به کلاهبرداری های گسترده در این حوزه هشدار داد و از مردم خواست پیش از خرید، مجوز شرکت ها را از سایت بانک مرکزی استعلام کنند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، سرهنگ حجت متقی دربارۀ یکی از روش های رایج کلاهبرداری در حوزه خودرو توضیح داد و گفت: در این شیوه، کلاهبرداران با اجاره دفاتری در مناطق بالاشهر تهران که محل رفت و آمد و حضور شرکت های متعدد است، اقدام به ارائه خدمات واگذاری خودرو به صورت لیزینگ یا واسپاری می کنند. این افراد معمولاً مجوزهایی به نمایش می گذارند که ممکن است ظاهراً رسمی باشد ولی در واقع مربوط به مجوز واگذاری خودرو نیست و گاهی مجوزهای دیگری مانند خرید و فروش قطعات خودرو یا مجوزهای نامرتبط است.

ایسنا در خبری نوشت: وی افزود: کلاهبرداران با تبلیغات گسترده در فضای مجازی، روزنامه ها و رسانه هایی که به راحتی در اختیارشان است، ابتدا به افراد محدودی در اطراف خود خودرو تحویل می دهند تا وجهه و اعتبار ظاهری ایجاد کنند و سپس مردم را به خرید خودرو از طریق ثبت نام ترغیب می کنند. در مراحل اولیه ثبت نام، متقاضیان موظف به ارائه اسناد و مدارک و پرداخت وجه می شوند.

معاون پلیس آگاهی فراجا تصریح کرد: پس از جذب تعداد زیادی متقاضی و دریافت وجوه قابل توجه از آن ها، در یک روز یا شب، شرکت کلاهبردار به طور ناگهانی محل را ترک و یا دفتر را تخلیه می کند، به گونه ای که حتی کارمندان مستقر در آن دفتر نیز از هدف اصلی مطلع نیستند. در نهایت خریداران هنگام مراجعه برای تحویل خودرو یا در بسته مواجه می شوند و متوجه می شوند که مورد کلاهبرداری قرار گرفته اند.

سرهنگ متقی ضمن هشدار به متقاضیان خرید خودرو به صورت لیزینگ، توصیه کرد:

افرادى که قصد خرید خودرو به این شیوه را دارند حتماً قبل از هرگونه اقدام، به سایت بانک مرکزی مراجعه و لیست رسمی شرکت های دارای مجوز واگذاری خودرو را بررسی کنند. وی افزود: در این سایت اطلاعات مربوط به مشخصات و آدرس شرکت ها درج شده و امکان استعلام اعتبار مجوز آنها وجود دارد. همچنین ممکن است برخی شرکت ها مجوزشان منقضی شده باشد که این موارد نیز قابل مشاهده است.

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا در پایان تأکید کرد: مردم باید از ثبت نام در شرکت های فاقد مجوز قانونی خودداری کرده و برای جلوگیری از گرفتار شدن در دام این کلاهبرداری ها، تنها از مسیرهای قانونی و رسمی برای خرید خودرو اقدام کنند.

شرایط ویژه اشتراک انبوه
روزنامه صبح امروز
برای پیک موتوری ها، باربری ها و شرکت های خدماتی

با ما تماس بگیرید:
۰۹۳۶۰۵۶۶۳۶
۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

